



در امتداد تاریکی

تاوان وحشتناک طلاق!

به «کافم» یا بخشیدم تافظت سرپرستی فرزندانم را به عهده بگیرم که همه این ماجراها در حالی اتفاق افتاد که من درگیر چرب زبانی و بر خوردهای موبانه و مهریابی های مردی شده بودم که در دفتر وکیل مشغول کار بود. «عزت» طوری وانمود می کرد که انگار ملک و املاک زیادی دارد و با وکیلش در امور وکالت شریک است. «عزت» از نظر ظاهری نیز بسیار خوش قیافه و شیک پوش بود و به همین دلیل خیلی زود من هم به او دل باختم و این گونه آشنایی ما به خواستگاری و از دواج انجامید. اما هنوز یک ماه از ثبت عقد موافقت من در محضر از دواج نگذشته بود که آن روستا به نمایان شد. «عزت» تنها مردی که سدفدان و پاسبان بود بلکه به خاطر همین رفتارهای نافعاقلانه و رفتن آن وکیل اخراج شد. حالا بیکاری وی بی پولی طوری روح و روانش را به ریخته بود که با وجود قول و قرار های مردانه اش برای مراقیبت و حمایت کامل از فرزندانم، به توهین و بی مهری رو آورده بود و موجب رنجش و نگرانی های فرزندانم می شد. در این شرایط «عزت» تصمیم گرفت با خرید چند دستگاه و ابزارهای تولید ظرف پلاستیکی، یک کارگاه بزرگ تولیدی را اندازی کند. به همین دلیل مرا به بانک برد و برایم دسته چک گرفت تا بتواند کسب و کاری دست و پا کند و من هم ضامن تسهیلات بانکی اش شوم. از سوی دیگر من هم که خیالم راحت بود حداقل چند دستگاه و لوازم تولید، پشتوانه صدور چک هایم است. فقط مبلغ ده ها و صد میلیون ریالی را به عنوان کف گواهی خردولی خیلی زود معاوان انتظامی به سرانم دادند و با حکم حاکم قضایی که شاکیان و طلیکاران را دست داشتند، مرا دستگیر کردند. وقتی مقابل افسران تحقیق قرار گرفتم تازه فهمیدم که شوهرم به خاطر کلاهبرداری تحت تعقیب است و او نه تنها هیچ دستگاهی برای تولید نخریده است بلکه همه چک ها با امضای مرا در بازار خرج کرده و اکنون با شاکیان روی ربه رو هستم که صد ها میلیون تومان از چک ها را برگشت زده اند. اما ای کاش در برابر هلاقی از شوهرم سنجیده تر عمل می کردم تا چنین تاوان و حشنتاکی را نمی پرداختم. گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است در حالی که تحقیقات تخصصی عوامل انتظامی با دستور ویژه سرهنگ آرش ایرامنش (رئیس کلانتری شهرک در اجای مشهد) ابرای ریشه یابی کلاهبرداری های گسترده ادامه داشت، بررسی های کارشناسی و روان شناختی نیز بر رویه های زن جوان از این وضعیت ناسف بار در دایره مشاوره مددکاری اجتماعی کلانتری آغاز شد.

اکنون که ۴ سال از ازدواج با همسر دوم می گذرد و باید به خاطر کلاهبرداری های اوسال هاپشت میله های زندان بمانم، تازه می فهمم که همه این بدبختی ها تابان وحشتناک غرور و بلندپروازی هایی است که برای طلاق نسنجیده از شوهر اولم می پرزدم چرا که ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۳۲ ساله که به اتهام کلاهبرداری های گسترده از طریق صدور چک های بلامحل دستگیر شده است، در حالی که قطرات اشک چهره اش را پوشانده بود، به بیان سرگذشت تاسف بار خود پرداخت و گفت: «۱۶ ساله بودم که زندگی منشروع گردید، با یک شوهر که او جوشکار اسکلت خاستمانی بود و مرا میخواست. دوسال بعد وقتی اولین پسرم به دنیا آمد، روزگار من نیز رنگ خوشبختی به خود گرفت چرا که دلخوش به شیرین زبانی ها و عاقد ماهرانه پسرم بودم. از لحظات زندگی لذت می بردم اما طولی نکشید که ورق برگشت و ناسازگاری های اخلاقی و مشاجره های لفظی با شوهرم روزهای خوش زندگی مرا افروخت. «کاطلم» من تنها به مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر سستی آلوده شده بود بلکه پر خاشگرمی می کرد و خستگی های ناشی از کارش را بهانه قرار می داد تا به تفریح و گشت و گذار نرویم. احساس می کردم «کاطلم» بیش از حد به من بی توجهی می کند و من از دیگران در زندگی عقب افتادم. بعد از به دنیا آمدن دختر و پسر دیگرم، این گونه ناهماهات و احساسات عاطفی تاثیر بر انگیزه و وجودم شدت گرفت تا حدی که من هم ابراز محبت و عشق و علاقه مرا کنار گذاشتم و به درگیری های لفظی و حتی فیزیکی دامن زد. مدتی بود که بایک زن مطلقه آشنا شده بودم و تحت تاثیر و سوسه های شیطانی او تصور می کردم اگر از کاظم طلاق بگیرم به یک زندگی رویایی می رسم و از ادانه برای خودم تصمیم می گیرم. به تفریح و خوشگذرانی می روم و طوری فرزند نامر از تربیت می کنم که هر کدام از آن ها به موقعیت های اجتماعی ارز رشمندی دست یابند. خلاصه این افکار پوچ را به سوی دادگستری کشاندم و در ۲۸ سالگی تقاضای طلاق کردم. «کاطلم» وقتی متوجه شد که دیگر ماجرای طلاق خیلی جدی است، به التماس افتاد. اشک ریزان خواهمی می کرد تا ز زندگی منشیرکمان را نبودند و کم و نروشت و آینه دزدانده نامر را به بازی می کشتم اما من غرق در غوغا و بلندپروازی های خودم و با تحریک های شیطانی ز «لیخا» از شوهرم هایم کوتاه نمی آمدم. بالاخره همه حق و حقوق قانونی خود مرا

براساس ماجرای واقعی در زیرپوست شهر

باسقوط مرگبار دختر جوان از طبقه چهارم ساختمان فاش شد

ماجرای تکان دهنده «عقرب های هوسران»!



واقع من و سیتا با این ترنند به دنبال راه فراری می گشتیم
تا ز جنگ ۴ سپر جوان (عقرب های هوسران) هایای بیایم
ولی هیچ راهی جز ترس (بالکن) پیدا نکردیم که بتوانیم به
طبقه پایین برویم و از آن جا فرار کنیم؛ این بود که هر دو نفر
از روی ترس از آویزان شدیم و لی دست های سیتا ناگهان از
روی دیوار هاشد و او در حالی که می گفت به کف
پایده و سقوط کرد. من هم فریادمی زد که آن ها با شنیدن
صدای وجیع به داخل اتاق آمدند و مرا بالا کشیدند! این دختر
جوان ادامه داد: از حدود یک ماه قبل از شهر ستان به منزل
دوستم «سیتا» آمدم و در خانه آن ها بودم چرا که مادر من از دنیا
رفته است و پدر و همسر من نیز در شهرستان زندگی می کنند.
من به خانواده ام گفته بودم برای پیدا کردن کار به مشهد می
روم تا این که به شیش با سیتا در پارک معراج برویم و صبح به
این منزل آمدیم چرا که صدرا با «سیتا» دوست بود! البته قبل
از آن که نقشه فرار از بالکن را عملی کنیم، «سیتا» وقتی مقابل
۴ جوان هوسران قرار گرفت و متوجه شد که آن ها از نیت پلیدی
خود دست بردار نیستند، ناگهان شیشه ای را از آشیز خانه
برداشت و آن را شکست تا رگ دست خودش را قطع کند که
آن ها و او را گرفتند و نگذاشتند «سیتا» این کار را انجام دهد.
گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است در پی
رمز ششایی از ماجرای تکان دهنده «عقرب های هوسران»
و با دستور ویژه قاضی دکتر صفری گروهی تخصصی از
کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی مشهد، بلافاصله وارد
عمل شدند و با بهره گیری از شگردهای تخصصی، در کمتر
۱۲ ساعت، همه عواملان دخیل در این حادثه و حستان افرات
را داشت کردند. هر ۴ متهم این پرونده جنایی در اختیار
تکان دهنده، نژوایای تاریک سقوط مرگبار دختر ۲۰ ساله
را در حالی که نشان کف که باز هم ماجرای دوستی های
خیابانی در مشهد فاجعه دهنده جبران ناپذیر دیگری
را رقم زد.

سید خلیل سجادپور
info@khorasannews.com



زمن ۱۹ ساله‌ای که از مدار «مرگ» به زندگی بازگشت، در حالی ماجرای فرب‌های هوسران را فاش کرد که گم‌گام فرار از بالکن ساختمان ۴ طبقه از دست داد.

درنگ قاضی دکتر صادق صفری، دستنورهای خاصی را برای حفظ صحنه حادثه و مراقبت های نامحسوس از افراد مظنون، به نیروهای انتظامی صادر کرد و دوشنیزد عالم تر کرد زمانی شد. بررسی های مقدماتی مقام قضایی نشان داد، رهگذران و شاهدان دختر دیگری را نیز مشاهده کرده اند که از بالکن طبقه چهارم ساختمان آویزان بود اما سقوط نکرد و افرادی از درون منزل وی را بالا کشیدند و از مرگ نجات دادند. با این سرخ مهم، با فاصله قاضی شعبه ۲۵۵ داسرای عمومی و انقلاب به طرف دوست «ا» حرکت کرد به تحقیق. دختر «ا» سال های پرفروش در صحنه حادثه حضور داشت. «ف-ف» پای «ا» پس جوان را به مجاری سقوط مرگبار دوستش کشید که آن هارا به «لانه شیطانی» دعوت کرده بودند و زمانی که «عقرب های هوسران» قصد تعرض داشتند، این حادثه وحشتناک رخ داد. این دختر ۱۹ ساله با فشاری از پنجهان این فاجعه تلخ گفت: دوشتم که به «سیتیا» معروف است با پسر جوانی به نام «صدر» در پارک معراج آشنا نشده بود. امروز (چهارم تیر) ساعت ۶ صبح «نیمّا» که منزل «ا» طبقه متعلق به آن هاست به همراه «صدر» اوسیتیا به خانه نیمّا آمدند و من هم با آن هاهمرا شدم. اما داخل منزل، «نیمّا» قصد تعرض به ما داشت که مانع شدم و فریاد کشیدم. ولی او با یاتلفن، دو دوست دیگرش را هم به منزل مذکور «سیتیا» دعوت کرد و دو حلال در حالی که آن هارفتند، بودند قصد داشتند ما را مورد آزار و اذیت قرار دهند. همین حال «نیمّا» در منزل را قفل کرد و با تهدید و اجبار سعی داشت ما را وادار به تمکین از خواسته اش کند! او می گفت: حتی اگر مجبور شوم ۳ روز شمار این جانکه دارم این کار را می کنم تا تسلی می شوید! «ف-ف» ادامه داد: آن ها با این تهدیدها، گوشه ی تلفن مرا هم گرفتند و به خواسته شیطانی خود اصرار می کردند. در این هنگام من به التماس افتادم و او شکریزان گفتم در ست است که من به خاطر اختلافات شدید خانوادگی در حال متار که از نامزد هم هستم اما هنوز متاهلم و تلفن گرفته ام! «سیتیا» هم که اوضاع را این گونه دید با این ترفند که می تواند این صحبت مرا بر ارضی کند تا به خواسته شوم «ا» پس جوان بدهم مرا به درون اتاق بیاورد! و آن را خواست هیچ کس نباید به داخل اتاق بیاورد!



عکس ها اختصاصی خراسان

[illegible][illegible]

کلیده مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام خواهد شد و لازم است متقاضیان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی راجعت شرکت در مزایده محقق سازند.

۱- تاریخ انتشار مزایده در سامانه ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ می باشد
۲- مهلت زمان در یافت اسناد مزایده از ساعات تا ساعت ۱۳:۰۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۱

۳- مهلت زمان ارائه پیشنهادات تا ساعت ۱۳:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱

۲- زمان بازگشایی پانتهاساعت ۱۴:۰۰ تاریخ ۱۴۰۶/۰۵/۰۱

LETTRE

اطلاعات دستگاه مزایده گذار بجنورد بلوار دولت شهر داری بجنورد و تلفن ۰۵۸-۳۲۲۲۲۱۱-۱۴




آگهی تجدید مزایده عمومی

بهره برداری سالن ورمی کمپوست واقع در مجتمع صنعتی بازیافت مواد و انرژی به نشانی کیلومتر ۵ جاده قدیم مشهد - نیشابور

مبلغ برآورد اولیه برای سال اول : ۳۲۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال

مدت انجام موضوع: دو سال کامل شمسی

جهت شرکت در تجدید مزایده و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس : <http://10dets.mashhad.ir> مراجعه نمایند.

همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس www.rfk.ir نیز درج می گردد.

سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد

Waste Management Organization Of Mashhad Municipality

[illegible][illegible]

آگهی تحدید حدود اختصاصی حوزه ثبتی شهر چستان

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ماده ۱۲ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون اخیر الذکر تحدید حدود پلاک ۴۱۸ فرعی از ۸ اصلی واقع در قر به سالدۀ علیا بخش ۱۱ به نام علی رضا امین بخش نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۵۰/۰۰ متر مربع طبق رای شماره ۱۳۰۱۱۲۲۳۵-۱۴۰۴۶-۲۱۰۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۵ هیئت قانون تعیین تکلیف در ۹ صبح سه شنبه ۱۴۰۴/۰۶/۰۴ در محل وقوع ملک به عمل خواهد آمد. لذا از متقاضیان و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق از تفاتی دعوت می شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به می رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماندند قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اقلیاء شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴ و ۸۶ آئین نامه قانون ثبت طرف مدت ۲۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراضی خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، به واحد ثبتی می بایست به تقدیم دادخواست به مرجع قضایی نمایند. در غیر اینصورت باز اذعان گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماندند قانونی می و بدون توجه به اعتراضی واصله عملیات ثبتی بار رعایت مقررات اداره می یابد. شناسه: ۱۹۵۹۲۹

رئیس ثبت اسناد و املاک شهر چستان - عین اله تیموری

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶